

## مرگ اندیشی گفتمانی در اشعار قیصر امین پور

پریسا صالحی<sup>۱</sup>

### چکیده

مرگ را می‌توان مهم‌ترین موضوع مشترک میان انسان‌ها در تمام زمان‌ها، مکان‌ها و تنها رقیب زندگی دانست. بیان ماهیت مرگ، نوعی نمایش نگرش افراد مختلف، به ماهیت زندگی است. هیچ‌یک از شاعران از این دغدغه برکنار نبوده‌اند. لذا پرداختن به تفکرات ادبا و شعرا، در این باره، در شناخت بهتر و آشنایی با دیدگاه فکری و معرفتی این شاعران مؤثر خواهد بود. برای رسیدن به این هدف باید به تحلیل متون و اشعار این شاعران پرداخت. یکی از روش‌های تحلیل متون، تحلیل گفتمان انتقادی است. که در آن به کشف نگرش نویسنده و شاعر در لابه‌لای اثرش می‌پردازند. از آنجا که ادبیات و اجتماع رابطه‌ای دوسویه با هم دارند و تأثیرپذیری شعر معاصر از جامعه و تأثیر ادبیات معاصر در شکل‌گیری بسیاری از تحولات اجتماعی - سیاسی امری اثبات شده است، در این پژوهش برآنیم تا تأثیر جامعه را در مرگ اندیشی شاعر و بازتاب آن در آثارش بررسی کنیم. از میان شاعران معاصر، قیصر امین‌پور مسائل اجتماعی و سیاسی مهم هر دوره را به صورت صریح و بالحن متناسب در شعرش بیان کرده است و همین موضوع ما را وارد قلمرو تحلیل گفتمان آثارش می‌کند. به ترتیب در این پژوهش با به کارگیری سطح تبیین در تحلیل گفتمان انتقادی در پی اثبات فراز و نشیب‌های مرگ-اندیشی شاعر در دوره‌های مختلف شعری‌اش هستیم. به نظر می‌رسد نگرش او به مرگ که نگاه به زندگی را هم در خود دارد، در دوره‌های مختلف زندگی‌اش تغییر کرده است.

**کلید واژه:** تحلیل گفتمان انتقادی، قیصر امین‌پور، مرگ‌اندیشی، ادبیات معاصر.

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی و عرب، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

parisa.salehi1384@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۱۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲

## مقدمه

مرگ را می‌توان مهم‌ترین موضوع مشترک میان انسان‌ها در تمام زمان‌ها، مکان‌ها و تنها رقیب زندگی دانست. پدیده‌ای حتمی و انکارناپذیر؛ که تأمل در آن، طیف وسیعی از پرسش‌ها را به همراه دارد. نوع پاسخ‌ها و تفسیرها در مورد مرگ، معنای زندگی را حل می‌کند و یا با چالش مواجه می‌سازد. در واقع، بیان ماهیت مرگ نوعی نمایش نگرش افراد مختلف به زندگی است. برای مثال، شخصی که معتقد به زندگی آخرت نباشد، چه بسا چنین بیندیشد که مرگ، زندگی را بی‌معنا می‌کند. در مقابل، کسانی که به خدا و روز معاد اعتقاد دارند برای اعمالشان، بعد از مرگ عاقبتی قائل‌اند. به این ترتیب، تبیین مرگ، مبتنی بر شناخت نگرش‌ها و جهان‌بینی‌هاست.

با نگاهی اجمالی به آثار ادبیات فارسی می‌توان گفت مرگ از موضوعاتی است که مورد توجه شاعران و نویسندگان بسیاری واقع شده، و به استناد آثاری که از آنان برجای مانده است، هیچ‌یک از این دغدغه برکنار نبوده‌اند. نگاه به مرگ (مرگ اندیشی)، در نظام فکری هر شاعر و نویسنده‌ای نقشی بنیادین ایفا می‌کند و هر کدام از آنها برخوردهای مختلفی با مرگ داشته‌اند. لذا پرداختن به تفکرات ادبا و شاعران، در این باره، در شناخت بهتر و آشنایی با دیدگاه فکری و معرفتی این شاعران مؤثر خواهد بود. (نک: نوروزی، ۱۳۹۶: ۷۸-۸۰) برای رسیدن به این هدف باید به تحلیل متون و اشعار این شاعران پرداخت. تحلیل متون ادبی از دیرباز رواج داشته و فهم متن ادبی همزاد نقد ادبی بوده است. این تحلیل‌ها، در گذشته، بیشتر در حوزه کلمه و جمله و توجه به نکات بلاغی متن ادبی بوده است. اما با آغاز قرن بیستم و در اثر پژوهش‌های زبان‌شناسانه، نظریه ادبی هم متحول شد و تحلیل متون ادبی از بررسی‌های توصیفی عبور کرد. در نتیجه این تحول علمی، نظریه‌ای ادبی شکل گرفت که براساس آن همه چیز صرفاً در متن رخ نمی‌دهد بلکه بسیاری از عناصر خارج از متن هستند که به متن معنا می‌دهند از جمله مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی. به تعبیری، دیگر در تحلیل یک متن، صرفاً با یک نظام زبانی ساده ادبی مواجه نیستیم بلکه با یک نظام گفتمانی تنیده در هم، سرو کار داریم. در پی این تحول، در نقد ادبی دانشی به نام دانش تحلیل گفتمان شکل گرفت که وظیفه آن توصیف روابط داخلی و خارجی ساخت‌های متن در سطوح گوناگون و شرح مظاهر متعدد کاربرد زبان است. نظریاتی متفاوت در بررسی و تحلیل متون ادبی در دوره معاصر مورد استفاده محققان قرار گرفته است. یکی از رویکردهای تحلیل گفتمان، تحلیل گفتمان انتقادی است و روش ما در این مقاله مبتنی بر این رویکرد است. این نظریه، روشی

## مرک اندیشی گفتمانی در اشعار قیصر امین پور ۱۰۳۱۱۱

کارآمد در تبیین و کشف دیدگاه‌های ایدئولوژیک شاعران و نویسندگان و همچنین دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی آنان است.

شعر فارسی در دوره معاصر تحت تأثیر تحولات سیاسی و اجتماعی دوره معاصر بوده است و در تعامل با این تحولات شکل گرفته است و نظام اندیشگانی شاعر در آن با هنرمندی ترسیم شده است. قیصر امین پور از شاعران دوران معاصر است که شعرش حدود سه دهه در ادبیات فارسی مخاطب داشته و مورد اقبال قرار گرفته است. این تأثیرپذیری شعر معاصر از جامعه و تأثیر ادبیات و خصوصاً شعر معاصر بر مردم، در شکل‌گیری بسیاری از تحولات اجتماعی - سیاسی، در شعر قیصر امین پور نیز دیده می‌شود، شعر او در هشت سال دفاع مقدس، سبب دعوت و تهییج مبارزان جبهه‌های حق علیه باطل بود؛ به تعبیری شعر او در دوره جنگ حکم ابزاری تبلیغی برای پیش‌بردن جریان اجتماعی آن روزگار بوده است. وجود همین اشعار، شاهدهی بر این مدعاست، که شعر امین پور ظرفیت تحلیل گفتمان انتقادی را داراست. بر این اساس، در این پژوهش از زاویه نگاه تحلیل گفتمان انتقادی، درون‌مایه اشعار قیصر امین پور در جهت کشف و شناسایی مرگ اندیشی شاعر مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### پیشینه پژوهش و وجه ممیز این تحقیق

پیشینه در این پژوهش به سه بخش تقسیم می‌شود: در بخش اول، پژوهش‌هایی که درباره تحلیل گفتمان انتقادی متون ادبی معاصر فارسی صورت گرفته و در آنها بررسی و تبیین جهان‌بینی شاعر در شعرش، مطمح نظر بوده است، در بخش دوم، تحقیقاتی که درباره جنبه‌های ادبی، اجتماعی، و سیاسی آثار قیصر امین پور صورت گرفته، بررسی شده است و در بخش سوم پژوهش‌هایی که در زمینه مرگ‌اندیشی در آثار شاعران کار شده است

الف - در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی و تعمیم‌دادن آن به متن‌های ادبی فارسی، چندین پژوهش در قالب‌های گوناگون کتاب، پایان‌نامه و مقاله به ثمر رسیده است:

علوی (۱۳۸۱) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان «بررسی دیدگاه روایی در سه داستان صادق چوبک» از دانشگاه تهران، چند داستان کوتاه صادق چوبک را از نظر گاه گفتمان روایی راجر فاولر و همچنین بررسی کاربرد زمان و توجه به گذشته‌نگری و آینده‌نگری زمان از نظر ژرار ژنت، مورد بررسی قرار داده است. در این پایان‌نامه نویسنده بر آن بوده تا با استفاده از شیوه تحلیل گفتمان انتقادی و

نوع روایتی که در داستان‌ها استفاده شده است، معانی مختلف داستان را کشف کند و جهان‌بینی نویسنده را در هر داستان بیان کند. ربانی (۱۳۸۶) در پایان‌نامه خود تحت عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی یکی بود یکی نبود جمالزاده» داستان‌های کوتاه مجموعه یکی بود یکی نبود را از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی و رویکرد نورمن فرکلاف مورد بررسی و تحلیل قرار داده است و سعی بر آن داشته تا با روش تحلیل گفتمان انتقادی، دیدگاه‌های نویسنده و جهان‌بینی او را تبیین کند. نویسنده فصلی را به بررسی تحلیل گفتمان، رویکردهای گفتمان، و چگونگی گذر تحلیل گفتمان به تحلیل گفتمان انتقادی اختصاص داده است. فصل سوم پایان‌نامه رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف مورد بررسی قرار داده شده است. فصل چهارم این پژوهش در بخش اول، شرح زندگی جمالزاده و آثار اوست و بخش دوم بررسی و تحلیل داستان‌های کوتاه مجموعه یکی بود یکی نبود است. گرچه این تحقیق از این نظر کاری بدیع و رویکردی تازه در توجه به تحلیل داستان‌های کوتاه نویسنده است؛ ولی این کار به‌خوبی صورت نگرفته است؛ کار از نظر ارزش کمی و کیفی در داستان‌ها بسیار مختصر است. تحلیل هر کدام از داستان‌های کوتاه در یک صفحه و گاه در نصف صفحه صورت گرفته است و بیشتر کلی‌گویی است. محسن طاهری (۱۳۸۶) در پایان‌نامه خود درباره «تأثیر سخن‌پردازی زنان در شاهنامه از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی» ضمن تعریف گفتمان و رویکردهای تحلیل گفتمان انتقادی، خیلی مختصر بخشی را به بررسی گفتمان فوکو و نقد نو پرداخته است. در بخش بعدی، نویسنده با توجه به نظریات مختلف درباره زنان، چگونگی نقش زنان را در حوادث داستان‌های شاهنامه بررسی و تحلیل کرده است. این پژوهش خیلی مختصر بخش‌های مختلف را بررسی کرده است و در آخر نتیجه‌ای متقن به دست نداده است و گویا فقط هدف معرفی خوانشی جدید در متن بود که با بحث زنان در شاهنامه، این موضوع بیان شده است. مقالاتی نیز در زمینه تحلیل متن‌های ادبی به شیوه تحلیل گفتمان انتقادی صورت گرفته است؛ اما در همه این آثار بیشتر در پی کشف جنبه‌های زبانی این متن‌ها هستند و کمتر به روابط ایدئولوژی و قدرت در آثار ادبی پرداخته‌اند.

ب- در زمینه قیصر امین‌پور و آثارش: معمر ممیشویچ (۱۳۸۱) از دانشگاه تربیت مدرس در پایان‌نامه «بررسی مفهوم آزادی در اشعار قیصر امین‌پور، علی موسوی گرمارودی و فاطمه راکعی» می‌گوید: با گذر زمان آزادی معنایی درونی پیدا کرد که تا نهضت مشروطه استمرار داشت. در شعر قیصر امین‌پور، علی موسوی گرمارودی و فاطمه راکعی آزادی هم به معنای اجتماعی و هم به معنای فردی

## مرکز اندیشی گفتمانی در اشعار قیصر امین پور ۱۰۵۱۱۱

آن به کار رفته است. تلقی آزادی در اشعار آنان با هویت دینی و اسلامی یعنی خاستگاه آزادی در نظر آنان اسلام است. افسانه میری (۱۳۸۵) از دانشگاه پیام نور، واحد تهران در پایان‌نامه خود در مقطع کارشناسی ارشد به بررسی و نقد ساختاری مجموعه اشعار قیصر امین پور می‌پردازد. انور جماران (۱۳۷۷) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «شیوه‌های تصویرسازی در شعر چهارتن از شاعران بعد از انقلاب اسلامی (قیصر امین پور، علیرضا قزوه، احمد عزیزی، یوسفعلی میرشکاک)» در اشعار چهار نفر از شاعران که شروع کار آن‌ها پیش از انقلاب پنجاه و هفت بوده، اما اوج بلوغ و یا به تعبیری کمال شعری آن‌ها در سال‌های بعد از انقلاب است، پرداخته است. او سعی کرده، گرایش‌های سیاسی و اعتقادی را در نتیجه‌گیری‌هایش دخالت ندهد. در هر بخش قبل از ورود به بحث اصلی، مختصری از باب آشنایی در موضوع آن بخش توضیح داده است. حکیمه نوابی (۱۳۸۵)، در پایان‌نامه خود به بررسی و تحلیل سبک و مضامین رباعیات شاعران مشهور معاصر از ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸ با تأکید بر سه شاعر: قیصر امین پور، منصور اوجی و حسن حسینی پرداخته است. پایان‌نامه‌ها و مقالات دیگری نیز با این موضوع پرداخته شده‌است. از بین این مقالات باید به مقاله محمود فتوحی (۱۳۸۷) اشاره کرد با عنوان «سه صدا، سه رنگ، سه سبک در شعر قیصر امین پور» که در ادب پژوهی چاپ شده و از این نظر که نگاه جدیدی به شعر قیصر دارد، مقاله مهمی به شمار می‌آید. به جهت اطالۀ کلام از آوردن مثال‌های دیگر صرف نظر کردیم.

ج- در زمینه مرگ اندیشی در اشعار شاعران: فرهاد محمدی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه خود با عنوان «سیمای مرگ در سبک‌های خراسانی، عراقی، هندی» به بررسی پدیده مرگ در شعر شاعران کلاسیک می‌پردازد و در آخر به این نتیجه می‌رسد که مرگ در نظر آنان همان مفهوم و معنایی را دارد که دین بیان داشته است و این مسأله به جهان‌بینی دینی شاعران برمی‌گردد. در بین شاعران معاصر هم پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «مرگ اندیشی در شعر شاملو» در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین انجام گرفته است. در این زمینه در قالب مقاله هم کارهای ارزنده‌ای انجام شده است که بیشتر آنها در مورد مرگ در دیدگاه خیام و مولانا است. اما به دلیل مجال اندک در مقاله، این پژوهش‌ها بیشتر توصیفی هستند نه تحلیلی، و در آنها به ذکر کلیات بسنده شده است.

این تحقیق با شیوه تحلیل کلام انتقادی سعی در کشف نگرش امین پور به مرگ از منظر تحلیل گفتمان انتقادی دارد، که می‌تواند آغازی برای آشکار شدن جنبه‌های پنهان آثار شعری و فکری او باشد. از آنجایی که تا کنون به اشعار قیصر امین پور و مرگ در دیدگاهش از این منظر نگریده نشده است،

۱۰۶ // دو ضمیمه مطالعات نقد ادبی / سال هجدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ شماره پنجاه و پنجم

انجام دادن این تحقیق هم جدید و هم ضروری به نظر می‌رسد.

### روش‌شناسی و چهارچوب نظری پژوهش

تحلیل گفتمان انتقادی رویکردی جدید و نو از تحلیل گفتمان است، نوعی پژوهش گفتمانی که وجه جامعه‌شناختی دارد. همچنان که از لفظ «انتقادی» برمی‌آید، در درجه اول به مسئله سوء استفاده از قدرت، سلطه، نابرابری و بازتولید و مقاومت در برابر قدرت در متون می‌پردازد. این دیدگاه به ساخته شدن هویت‌ها در چهارچوب زبان، کشف خصایص ایدئولوژیک و سیاسی، کاربست‌های زبان و بازتولید روابط قدرت توجه دارد. نگاهی تحلیلی هم در سطح خرد و هم در سطح کلان، با تکیه بر تحلیل متن، و پژوهشی تجربی در حیطه زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی است. در این تحقیق مبنای روش‌شناسی، تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف است، از این رو با اشاره به روش فرکلاف و بررسی مدل تحلیلی او مبنای روش تحقیق بررسی می‌شود. «نورمن فرکلاف» یکی از شخصیت‌های شاخص در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی است.

موضوع دیگر که فرکلاف ارائه می‌کند این است: «که مطالعات اولیه در حوزه زبان‌شناسی انتقادی بیشتر حول محور تحلیل گرای و لغوی بوده و توجهی بسیار کمی به تحلیل بینامتنی متون شده است. تحلیل زبان‌شناختی تمرکز زیادی بر روی اجزای جمله دارد؛ در حالی که به سازمان‌های سطح بالاتر از کل متن بی‌توجه است» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۸).

به‌طور خلاصه باید گفت «تحلیل گفتمان انتقادی تنها به بررسی ساختار زبان نمی‌پردازد؛ بلکه افراد و نهادهایی را که شیوه‌هایی گوناگون برای معناپردازی در متن دارند، نیز مورد بررسی قرار می‌دهد. لذا در چهارچوب تحلیل گفتمان انتقادی، گفتمان کاوی تجزیه و تحلیل ساختارها و معنایی است که بار ایدئولوژیک دارند» (مکاریک، ۱۳۸۶: ۱۶۰-۱۶۱). در چهارچوب تحلیل گفتمان انتقادی می‌توان گفت که زبان‌شناسی انتقادی از صرف تلاش برای بازیابی توصیفی معنا فراتر می‌رود و تفسیری اجتماعی و سیاسی از شیوه‌های تکون معنا به دست می‌دهد. شیوه‌هایی که اغلب به گونه‌ای پنهانی عمل می‌کنند تا به یک ایدئولوژی خاص تفوق ببخشند.

از دیدگاه فرکلاف، «تحلیل گفتمان انتقادی باعث می‌شود علوم اجتماعی و زبان‌شناسی در یک چهارچوب نظری و تحلیلی واحد در یک دیگر جمع شوند» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۴) فرکلاف از تعدادی «مفاهیم نظریه پردازان انتقادی اجتماعی از جمله مفهوم نظم گفتمان فوکو، مفهوم هژمونی گرامشی

## مرکب اندیشی گفتمانی در اشعار قیصر امین پور ۱۰۷۱۱۱

استفاده کرده است و ریشه تغییرات اقتصادی و اجتماعی را به مقدار قابل توجهی نهفته در تغییرات زبان و گفتمان می‌داند.» (همان: ۱۱۳)

فرکلاف تحلیل گفتمان را در سه سطح توصیف، تفسیر، و تبیین مورد بررسی قرار می‌دهد:

- سطح اول، گفتمان به مثابه متن.

- سطح دوم، گفتمان به مثابه تعامل بین فرایند تولید و تفسیر متن.

- سطح سوم که سطح کلان است، گفتمان به مثابه زمینه. (همان: ۵۷)

این سه مرحله (متن، تعامل بین مرحله تولید و تفسیر و زمینه اجتماعی) در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین بررسی و تحلیل می‌شود. مرحله توصیف به تحلیل مقوله‌های زبان‌شناسی گفتمان فارغ از نقش زمینه می‌پردازد. مرحله تفسیر روابط موجود بین روندهایی که باعث تولید و درک این گفتمان می‌شود، می‌پردازد و دانش زمینه تولید متن و نسبت گفتمان با ساختارهای اجتماعی است. مرحله تبیین به بررسی گفتمان به منزله جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت می‌پردازد.

### الف - سطح توصیف

در این مرحله، متن جدای از سایر متن‌ها و زمینه و شرایط اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. مجموعه ویژگی‌های صورتی‌ای که در یک متن یافت می‌شود، می‌تواند به منزله انتخاب‌هایی خاص از میان گزینه‌های مربوط به واژگان و دستور موجود تلقی شود که متن از آن‌ها استفاده می‌کند.

### ب - سطح تفسیر

در این جا متون براساس پیش فرض‌هایی که به ویژگی‌های متن ارزش می‌دهد، تولید و تفسیر می‌شود. «تفسیرها ترکیبی از محتویات متن و ذهنیت (دانش زمینه‌ای) مفسر است، که در تفسیر متن به کار می‌رود» (همان: ۲۱۵). از نظر فرکلاف قلمروهای تفسیر زمینه متن، مانند زمینه‌های بینامتنی، بر آگاهی‌های پیشین از قبیل نظم‌های اجتماعی و کنش متقابل تاریخی منطبق است. در واقع، مرحله تفسیر روشن می‌سازد که فاعلان در گفتمان مستقل نیستند. در حقیقت آنچه را برای مشارکین امری تلویحی بوده، به روشنی بیان می‌کند.

### ج - سطح تبیین

در این مرحله محقق به تحلیل متن به منزله جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت می‌پردازد. می‌توان از مرحله تفسیر به مرحله تبیین با توجه به این نکته گذر کرد که «هدف از مرحله

تبیین، توصیف گفتمان به عنوان بخشی از یک فرایند اجتماعی است. تبیین، گفتمان را به عنوان کنش اجتماعی توصیف می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را جهت می‌بخشد. تحلیل گفتمان انتقادی، سطح تبیین را به مثابه یک بُعد ضروری معرفی می‌کند که باید به سطوح توصیفی تحلیل گفتمان اضافه گردد. تولید یا تقویت یک ایدئولوژی خاص در گفتمان در این سطح مشخص می‌شود و اصلی‌ترین تجلی‌گاه تصویرسازی جهان‌بینی سطح تبیین است. از این طریق است که تحلیل گفتمان انتقادی بر کشف ایدئولوژی‌ها و جهان‌بینی‌ها در متون تأکید دارد.

این سه سطح در اشعار قیصر امین پور کاملاً مشهود است. در بررسی اشعار قیصر در مرحله توصیف، در متن اشعار، از تکنیک «هم‌نشینی» و «هم‌آیی» واژگان استفاده شده است، که به لحاظ ایدئولوژیک طرحی خاص را به شعر می‌دهد. همچنین در بافت کلام در هماهنگی کامل با یک‌دیگر به کار گرفته شده‌اند و به‌طور کلی می‌توان گفت بافت کلام و معنای مورد نظر از آن، از طریق فرایند انتخاب واژگان و ترکیب آن‌ها با یک‌دیگر حاصل می‌شود. در شعر قیصر امین پور سطح تفسیر یا دانش زمینه‌ای متن‌ها، با گذشته‌های تاریخی پیوند می‌خورد. او اسطوره را در شعر آورده و با مقایسه با زمان حال جنبه ایدئولوژیک آن را برجسته می‌کند، همچنین استفاده از واژگان با مفاهیم دینی و مذهبی نیز از مواردی است که در سطح تفسیر قابل بررسی است. این موارد در زمینه‌های مختلف بر لایه‌های پنهان اشعار می‌افزاید. امین پور با بازگشت به آئین اساطیری و ایرانی و قرار دادن واژگان مذهبی در تناسب با این مفاهیم، به دنبال برجسته کردن هویت ایرانی - اسلامی است.

در مرحله تبیین محقق به دنبال یک فضای کلی از جریان‌های اجتماعی - سیاسی موجود در کشور است که در شعرهای امین پور نمود پیدا می‌کند. امین پور ضمن رعایت ترفندهای هنری و ادبی به گسترش ارزش‌ها و مسائل اجتماعی و مذهبی و ملی نیز توجه داشته است. از طریق بررسی این جریان‌های اندیشگانی در شعرش، می‌توان به دستگاه فکری او و بررسی نگاه او نیز پرداخت. در همین سطح است که می‌توان به دیدگاه قیصر در مورد مرگ رسید و در این پژوهش به این سطح از تحلیل گفتمان توجه می‌شود. برای رسیدن به این هدف، ابتدا باید به موقعیت امین پور در بافت فرهنگی و سیاسی روز گارش نگاهی بیندازیم.

### امین پور و موقعیت او در بافت فرهنگی و سیاسی روزگارش

قیصر امین پور، در اردیبهشت ۱۳۳۷ در گتوند زاده شد. تحصیلات دبستانی را در همان روستا و



## مرکب اندیشی کثمتانی در اشعار قیصر امین پور ۱۰۹۱۱۱

تحصیلات دبیرستانی را در دزفول گذراند. به دنبال پذیرفته شدن در رشته دامپزشکی به تهران آمد. اما، سال بعد از ادامه تحصیل در این رشته انصراف داد و در رشته علوم اجتماعی نام نویسی کرد. آن را هم نیمه کاره گذاشت و خارج از محیط دانشگاهی به فعالیت فرهنگی دلخواه خود سرگرم شد: با جمعی از همفکرانش، در تشکیل حوزه اندیشه و هنر اسلامی سهیم گشت. سپس، در ۱۳۶۰، دبیر صفحه شعر هفته نامه سروش شد و تا ۱۳۷۱ در این سمت باقی ماند. در ۱۳۶۳، دو دفتر شعر منتشر کرد: تنفس صبح و در کوچه آفتاب (مجموعه رباعی‌ها). در همین سال به دانشگاه بازگشت: این بار به رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. مجموعه‌ای از نثر ادبی به نام طوفان در پراتنز و منظومه‌ای برای نوجوانان به نام ظهر روز دهم را در ۱۳۶۵ منتشر کرد. سال ۱۳۶۶ برای امین پور ایامی پرتنش بود. مقطعی که او را از دنیای قبلی جدا کرد و به دنیای دیگری، دنیای بازبینی و بازشکافی تفکرات گذشته و انتخاب مسیری نو رساند. از حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی بیرون آمد. کمی بعد، در ۱۳۶۷، سردبیر سروش نوجوان شد و در ضمن، به تدریس در دانشگاه الزهرا پرداخت. سال‌های پایانی دهه شصت، برای امین پور سال‌های دیگر دیدن بود، در ۱۳۶۸، با جمعی از همفکرانش که از حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی کنار کشیده بودند، دفتر شعر جوان را راه‌اندازی، و مثل چشمه، مثل رود را برای نوجوانان منتشر کرد. در ۱۳۶۹، تحصیل در مقطع دکتری در رشته زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه تهران آغاز کرد. با مرور زندگی قیصر آنچه بیشتر به چشم می‌آید تقارن بلوغ اجتماعی او با جریان‌های انقلاب اسلامی و سپس پیروزی آن بود. قیصر اولین جرقه‌های انقلاب را در گتوند و دزفول دنبال نمود و در همان سال‌هایی که مشغول گرفتن دیپلم در این ولایت بود، با جریان انقلاب و پیروزی آن همراه شد و از این فضا تأثیر پذیرفت.

عبور از سال‌های ابتدایی تا میانه دهه شصت برای قیصر و همفکرانش تجربیات بسیاری را در برداشت. او از یک سو التهابات دانشجویی و شرایط خاص انقلاب را از نزدیک لمس کرده بود و از دیگر سو خود به عنوان دانشجوی مبارز و شاعری برخاسته از متن انقلاب، تحلیل خاص خود را از آن داشت و براساس همین تحلیل و برداشت ذهنی و عینی خود، ایفاگر نقش‌های اجتماعی خود بود. این تحلیل گاهی او را تا مرز یک نگهبان ساده تقلیل می‌داد و گاهی او را به عنوان فکر جریان‌بخشی که مثلاً تئوری تعطیلی دانشگاه را پیش از انقلاب فرهنگی مطرح می‌کند ارتقا می‌دهد. گوناگونی اتفاقات اجتماعی سال‌های اول انقلاب و جذایتهای این آشفتگی برای نسل جوان آن، که در حوزه تصمیم‌گیری قرار داشتند،

باعث شد تا قیصر و دوستانش از همان ابتدای آشنایی و در ضمن جلسات ادبی خود، خواست‌های انقلابی و تئوری‌های مذهبی را مطرح و ترویج نمایند و در آثار خود از آن دفاع کنند و در همین جلسات هنرجویان و شاعرانی را نیز پرورش دهند. با شروع جنگ تحمیلی، شرایط اجتماعی تغییرات محسوسی پیدا کرد و شاعرانی که با انقلاب متولد شده بودند، با اعتقاد بیشتری به این مقوله پرداختند. قیصر خوزستانی بود و طبیعتاً با وقوع جنگ در جغرافیای زادگاه او، حضور پررنگ‌تری در حوزه ادبیات جنگ از او انتظار می‌رفت. در همین شرایط بود که نام قیصر با شعر «شعری برای جنگ» به روی زبان‌ها افتاد. شعری که حقیقت جنگ و خشونت‌های ناگزیر آن را در فضایی کاملاً نوستالژیک مطرح نمود؛ شاعر آن با اسلحه شعر به میدان جنگ آمده بود. (ر.ک. جعفری، ۱۳۹۳: ۴۰-۵۶)

### معرفی آثار قیصر امین پور

انتشار کتاب‌های قیصر امین پور با مجموعه در کوچه آفتاب آغاز شد و با تنفس صبح، آینه‌های ناگهان، گل‌ها همه آفتابگردانند، و دستور زبان عشق ادامه پیدا کرد. البته قیصر به جز پنج دفتر شعری که معرفی خواهیم کرد، سه دفتر شعر دیگر نیز دارد: به قول پرستو، مثل چشمه، مثل رود، و ظهر روز دهم. اما از آن‌جا که این سه دفتر مشخصاً به مخاطبان نوجوان و تا حدودی کودک اختصاص دارند، در این پژوهش، تنها مجموعه‌هایی که مخاطب عام دارند مورد بررسی قرار می‌گیرد. بنابراین، پنج دفتر مورد بحث، موضوع اصلی ما در این مقاله است که به ترتیب تاریخ انتشار بررسی خواهیم کرد. البته قیصر امین پور دو اثر مثنوی نیز دارد که با نام‌های طوفان در پراتر و بی‌بال پریدن منتشر شد، که این دو مجموعه نیز مربوط به کودک و نوجوان است و برای رعایت اختصار از پرداختن به آن صرف نظر شده است.

### در کوچه آفتاب

اولین مجموعه شعر قیصر به نام در کوچه آفتاب در ۱۳۶۳ منتشر شد. این کتاب مجموعه‌ای از رباعی و دوبیتی‌های او در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۲ بود که انتشارات حوزه هنری در تیراژ ده‌هزار نسخه به چاپ رساند. انتشار این کتاب در حقیقت با رویکرد به قالب‌هایی که در روند شعر معاصر متروک شده بودند؛ چهره متفاوتی از شعر انقلاب را به نمایش گذاشت که بعدها در گزارش‌های روایان شعر انقلاب، از قیصر و چهره‌هایی مثل سیدحسن حسینی به عنوان احیاکنندگان این فرم‌ها نام برده شد.

آن‌چه در متن سروده‌های این کتاب بیشتر مشهود است، ترویج اندیشه‌های دینی، انقلابی، و روحیه میهن‌پرستانه و توصیف شهدا و ارزش‌بخشی به مقوله جنگ و گاه شوریدگی‌های عرفانی شاعر است که

## مرک انندی کتھانی در اشعار قیصر امین پور ۱۱۱۱۱

با برخورداری از زبانی معتدل و استفاده از واژگانی در دسترس که زمینه ارتباط مخاطبان را تسهیل می‌کند. حاصل این کتاب صد و بیست رباعی و چهل و هشت دوبیتی است. قیصر در ذیل نام این کتاب در صفحات ابتدای آن اشاره کرده است که این مجموعه «گزیده رباعی‌ها و دوبیتی‌های انقلاب است». همین اشاره کافی است تا زمینه‌های فکری و تأثیرپذیری قیصر از آموزه‌های دینی و رویدادهای اجتماعی به راحتی دریافت گردد.

### تنفس صبح

تنفس صبح دومین مجموعه شعری قیصر امین پور است که در فاصله کمی بعد از در کوچۀ آفتاب در همان سال ۱۳۶۳ منتشر شد. این کتاب گزیده‌ای از شعرهای سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۳ است که حوزه هنری در تیراژ ده‌هزار نسخه منتشر کرد. قیصر در این مجموعه برخلاف کتاب اول خود، مجموعه‌ای متنوع‌تر از نظر شکل شعر ارائه می‌دهد و توانمندی‌های تازه‌تری از خود را به نمایش می‌گذارد و خود را به مثابه شاعری تصویرگرا که توأمان از عواطف و احساساتی شغلی و اجتماعی بهره می‌گیرد، معرفی می‌کند.

در این مجموعه شعر قیصر همچنان بر مبنای شرایط و رویدادهای زمانه‌اش و مضامین غالب شعرهای دهه شصت آفریده می‌شود که بیشتر به شعرهای جنگ، تمجید شهدا و تقدیس چهره‌های تأثیرگذار از انقلاب همچون امام خمینی، آیت‌الله طالقانی، و دکتر شریعتی اشاره دارد. امین پور در تنفس صبح، شماری از آثار نیمایی خود را هم ارائه می‌دهد که مهم‌ترین آن‌ها شعری برای جنگ است. او در تنفس صبح با تلفیق توانایی‌های شعر کلاسیک و ظرفیت‌های جدید شعر نو، ضمن وفادار ماندن به اصول و قواعد شعر کلاسیک به پشتوانه فضای گسترده‌تری که امکانات شعر نو در اختیار قرار می‌داد، رویکردهای خلاقانه خود را بروز می‌دهد، تنفس صبح در واقع نقطه آغاز حرکت به سمت کشف فضاهای تازه در شعر انقلاب است.

### آینه‌های ناگهان

این مجموعه شعری در زمستان ۱۳۷۲ منتشر شد، دفتری که برگزیده شعرهای سال‌های ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۱ قیصر امین پور بود. این کتاب با تیراژ پنج‌هزار نسخه که در بردارنده دو دفتر اول و دوم و مجموعاً حاوی ۳۹ شعر نیمایی، ۲۵ غزل، یک رباعی، چهار دو بیتی، و یک مثنوی است. این دفتر در ادامه روند تکوین باورهای شاعرانه قیصر و تلاش برای پاس داشت انقلاب، جنگ، شهدا، و مفاهیم دینی است. دغدغه‌های

قیصر در آینه‌های ناگهان رنگ و لعابی فلسفی‌تر به خود گرفته است. او با آینه‌های ناگهان علاوه بر تثبیت دوباره خود در شعر انقلاب، مورد استقبال شاعران و منتقدان قرار گرفت. امین‌پور حرف‌های تازه‌ای را در قالب مقدمه‌ای با عنوان «پنج پرسش بی‌پاسخ»، که ظاهراً در پاسخ نامه‌ای به نگارش درآمده است، در ابتدای این گزیده ارائه می‌نماید که هم بازگوکننده برخی از دلایل توفیق امین‌پور است و هم دربردارنده بعضی نظرات او در حوزه شعر است.

### **گل‌ها همه آفتابگردانند**

چهارمین مجموعه شعر مستقل قیصر امین‌پور، گل‌ها همه آفتابگردانند، در فرودین ۱۳۸۱ توسط انتشارات مروارید و در تیراژ پنج‌هزار نسخه منتشر شد. این کتاب نیز به عادت مألوف شاعر از ترکیب متنوع فرم‌های شعری گرد آمده است. حجم غالب شعرهای آن را شعرهای نیمایی و طرح‌واره‌هایی نو تشکیل می‌دهد. نود و یک شعر در این دفتر به گونه‌ای در کنار هم قرار گرفته‌اند که قیصر به منزله زبان گویای جامعه خود، دردمندی اجتماع را عمیقاً حس کرده است و در اغلب شعرهای این دفتر از آن دم می‌زند. شعرهای این مجموعه بیانگر استقرار تعادلی در ذات شاعرانه قیصر است که تجربه‌های او را از روابط پدیده‌های اجتماعی و حقیقت‌های جهان نشان می‌دهد. امین‌پور در این مجموعه روی به تکامل پختگی دارد، از سکون و تکرار می‌گریزد، از عالم قطعیت و یقین‌های خام فرار می‌کند، دچار شک و تردید و حیرت می‌شود. او دیگر شاعر پاسخ‌ها نیست شاعر پرسش‌هاست و ... به‌طور کلی از هستی و ماهیت شعر از جمله مضامین عمده مندرج در اشعار این مجموعه است.

بازی‌های زبانی، خلاقیت‌های منحصر به فرد قیصر در عین سادگی، و زودبایی می‌تواند بهانه خواندن شعرهای این دفتر باشد و مخاطب را در این خوانش، شیفته ابتکارات خود نماید.

### **دستور زبان عشق**

دستور زبان عشق در مرداد ۱۳۸۶ و از سوی انتشارات مروارید، با تیراژ سه‌هزار نسخه منتشر شد که شامل شصت و شش شعر است و از میان شعرهای سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ برگزیده است. امین‌پور در دستور زبان عشق در آستانه ۴۸ سالگی است و از پس این سالیان، انقلاب را تجربه کرده است، جنگ و حوادث پس از جنگ را درک نموده است، اتفاقات اجتماعی، سیاسی، و تحولات و تغییرات کشور را از سر گذرانده و ضمن سیر در عوالم شاعرانه خود، تحصیلات دانشگاهی‌اش را تکمیل کرده است. در این مجموعه رویکرد او نسبت به عشق، که در مجموعه‌های قبلی در متن شعرها نهفته بود، مشاهده می‌شود.

## مرکب اندیشی کلمتانی در اشعار قیصر امین پور ۱۱۳۱۱۱

در این مجموعه آشنایی عمیق خود را در حوزه واژگان و به‌گزینی در این حوزه را به‌نمایش می‌گذارد. دستور زبان عشق با رعایت مرز تعادل، به‌سادگی و در اوج صمیمیت، دغدغه‌های قیصر را دربر دارد و شاعر بدون نیاز به تصویرسازی مزاحم و استمداد از دیگر ابزارهای شعر آفرینی، دقیق‌ترین مشاهدات خود را در قالب چند کلمه و با تأثیرگذاری ژرف به مخاطب انتقال می‌دهد. او در این مجموعه به موسیقی پنهان واژه و ضرباهنگ سیال کلمات در شعر توجه دارد. این مجموعه به‌عنوان آخرین مجموعه شعری قیصر تکه‌ای تکمیل شده از پازل شعر اوست.

### جریان های شعری در آثار قیصر امین پور

#### الف - جریان شعر انقلاب

قیصر امین پور در سال‌های منتهی به انقلاب ۱۳۵۷ که آغاز جوانی او بود، بنا به نیاز زمان خود، او نیز همچون دیگر جوانان آن روز علاوه بر مطالعه آثار اندیشمندان و متفکران معاصر خود، در آشنایی با زمینه‌های انقلاب اسلامی و رهبری امام خمینی تلاش کرد خود را به این جریان نزدیک کند. قیصر همراهی با انقلاب را آنچنان که در خاطراتش توضیح داده است از روستای محل زادگاهش آغاز کرد و تا تسخیر سفارت امریکا و نوشتن بیانیه‌ها و تلاش برای انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها نشان داد. او با تأثیرپذیری از شرایط عمومی جامعه و تأثیرات ادبی فضای غالب و نیز با ابراز عقاید ذاتی خود به‌مثابه فردی انقلابی در آثار خود به ستایش و تقدیس مبارزات مردم که در سرنوشت انقلاب سهم به‌سزایی داشتند، می‌پردازد و با اشاره به واقعیت‌های انقلاب، شعر را به میدان مبارزه فرامی‌خواند و در این حال و هواست که می‌توان شعر را به‌منزله تقویم رویدادهای اجتماعی و بازتاب‌دهنده واقعیت‌های اجتماعی به‌حساب آورد. در سال‌های پایانی حکومت پهلوی به‌خصوص سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ اتفاقات مهمی افتاد که با توجه به گستره تأثیرگذار اجتماعی خود، در متن و محتوای شعرهای این سال نیز منعکس شدند، اتفاقاتی از قبیل کشتار ۱۷ شهریور، آتش‌زدن سینما رکس آبادان، حکومت نظامی، پیام‌های امام خمینی، راهپیمایی‌های اعتراضی، شکنجه شخصیت‌های تاریخی و بالأخره ورود امام به ایران پس از سال‌ها...

در شعر امین پور، امام رهبری فرهیخته است که رو در روی دستگاه حکومت پهلوی ایستاده و آزادی‌خواهی را در گوش مردم زمزمه می‌کند. مذهب به‌منزله نماد اصلی این انقلاب، پیشرو جنبه‌های آرمانی و اعتقادی اجتماع انقلابی وقت شد. مضامین و موضوعات دینی با تأکید بر عناصر مذهب شیعه

در شعر قیصر امین پور و بسیاری از شاعران آن دوره نشان از همین موضوع دارد؛ حتی بهره‌گیری از شخصیت‌های دینی همچون امام علی (ع) و امام حسین (ع) و دیگر بزرگان دینی، و نیز از جایگاه خاصی برخوردار است که این موضوع علاوه بر گسترش فرهنگ اسلامی در ارائه‌ی شکلی تازه از تصاویر شاعرانه و خیال‌پردازی در شعر مؤثر واقع می‌شود. به‌طور کلی، می‌توان گفت قیصر امین پور نیز همچون دیگر شاعران عصر انقلاب با استفاده از زبانی برخوردار از فضای حماسی و استفاده از واژگان و مضامینی در تجلی و توصیف این فضا، در گسترش افق شعر انقلاب و توسعه فرهنگ اعتقادی آن تلاش کرده است.

### ب- جریان شعر جنگ

امین پور شاعری است برآمده از خطه گرم جنوب، که ویرانی دزفول را از نزدیک دیده است و جنگ را از نزدیک حس و تجربه کرده است. درست در سال‌هایی که شاکله شخصیتی او در هنگامه انقلاب رشد می‌کرد و قوام می‌یافت و در توسعه فرهنگ و پاسداری از ارزش‌هایش گام برمی‌داشت، جنگ در سرزمین مادری او آغاز شده بود.

قیصر در چنین شرایطی با اولویت دادن به موضوع جنگ در شعر خود گزارشگر واقعیت‌های تکان‌دهنده جنگ شد. با مرور دو دفتر اول شعر قیصر می‌توان این موضوع را در حجم غالب شعرهایی که درباره جنگ منتشر کرده است، جست‌وجو کرد. که برای نمونه در تنفس صبح از مجموع پنجاه و یک شعر، ۳۴ شعر مربوط به جنگ آمده است که نشان از تأثیرگذاری فوق‌العاده این مقوله در شخصیت و شعر قیصر دارد. این موضوع را می‌توان با حضور قیصر و دوستانش همچون سیدحسن حسینی، ساعد باقری، سلمان هراتی و شعرخوانی در جبهه‌ها و در جمع رزمندگان توأم کرد. قیصر نیز در شعرش تصاویر مشهور آن سال‌ها را به‌خوبی متجلی کرده است. تصاویری مربوط به فضای جبهه‌ها، خط مقدم، شهادت رزمندگان، آوارگی مردم جنگ‌زده، بمباران، تشییع جنازه شهدا و ... مهم‌ترین گزارش عاطفی جنگ در شعر «شعری برای جنگ» متبلور می‌شود. بی‌گمان این شعر از بهترین نمونه‌های شعر دفاع مقدس است که قیصر در آن با استفاده از رویدادهای ملموس جنگ، فضایی توصیفی از جنگ را به مخاطبان شعر خود گزارش می‌نماید که در جای خود مفصل به این موضوع خواهیم پرداخت.

### ج- نمود سال‌های پس از جنگ

علاوه بر آن‌چه تاکنون در خصوص مسائل انقلاب و جنگ در شعر امین پور بررسی گردید، مسائل اجتماعی دیگری نیز در شعر او بازتاب داشته است که قابل بررسی‌اند و این مسائل عمدتاً به اوضاع و

احوال جامعه ایران پس از پذیرش قطعنامه جنگ از سوی ایران اشاره دارد. قیصر از لایه‌های انقلاب و جنگ به اجتماع پیوند خورد و این پیوند مشخصه‌های خود را داشت و هرگز نخواست از این مشخصه‌ها تهی گردد. به همین دلیل پس از جنگ، همچون فرزندی غضب کرده و یا مغضوب شده، از جریان حاکم بر ساحت هنر به خصوص شعر حوزه هنری، که روزگاری او و دوستانش پایه گذار آن بودند، خارج شد. در این روزگار، قیصر امین پور با نقل مکان به سروش نوجوان، در حقیقت، تمرین سکوت می‌کند و آرمان‌هایش را در هاله‌ای از یأس و نومییدی پی می‌گیرد. در شعرهای قیصر می‌توان ردپایی از این جریان را، که زمزمه‌های اعتراض آمیز قیصر را در برمی‌گیرد، جست‌وجو کرد. قیصر از این پس هرگز سعی نکرد در جنجال‌های شبه‌هنری و سیاست‌زده وارد شود و کم‌کم به نوعی انتقاد بدبینانه از اوضاع را در اشعارش می‌توان یافت. در این دوران از رساله مقطع دکتری‌اش دفاع کرد و به‌عنوان شخصیتی دانشگاهی برای تدریس وارد جامعه دانشگاهی شد. در این سال‌ها به سکوت روی آورد و از جنجال‌های ادبی و مصاحبه با روزنامه و رسانه دوری کرد.

### تحلیل گفتمانی مرگ در سال‌های انقلاب و جنگ<sup>۱</sup> (در کوچه آفتاب و تنفس صبح)

این دو اثر، از آثاری است که در سال‌های پرتاب و تاب انقلاب و جنگ سروده شده‌اند. بازتاب تمایلات اسلام‌خواهانه، انقلابی و میهن‌دوستانه امین پور در دو مجموعه شعرش، در کوچه آفتاب و تنفس صبح که مربوط به سال‌های اول انقلاب و وقوع جنگ است، کاملاً نمایان است. نگاه امین پور در این دو اثر بسیار آرمان‌گرایانه و حماسی است و به دنبال دفاع از این آرمان‌هاست. این موضوع را می‌توان در لایه‌های آشکار و نهان شعر او ملاحظه کرد. در بخش توصیف، این دو اثر دارای واژگان و ساخت‌های صوری با لحن حماسی‌اند. همانطور که بیان شد، فرکلاف در سطح توصیف، ده پرسش را مطرح می‌کند و معتقد است در هر متنی، ممکن است نتوان همه پرسش‌ها را به کار برد. در سطح توصیف بسامد بالای واژگان مربوط به گفتمان دینی و انقلاب در اشعار این دو مجموعه نمود این واقعیت است. واژگانی‌اند که ریشه در مبانی اعتقادی و انقلابی دارند؛ واژگانی که با انبوهی از تارو پودهای اعتقادی و ارزش‌های جمعی در هم تنیده شده و شناسنامه‌ای ایدئولوژیک دارند. در دوبیتی ذیل بسیاری از این واژه‌ها با یک‌دیگر جمع شده‌اند و مخاطب را به نوعی دعوت به قیام و همدلی با امام خمینی فرامی‌خواند:

۱ - برای مطالعه بیشتر در این زمینه مراجعه شود به کتاب تحلیل گفتمانی اشعار قیصر امین پور از پریسا صالحی، تهران: انتشارات تک رنگ، ۱۳۹۳.

۱۱۶ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال هجدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ شماره پنجاه و پنجم

مبادا خویشتن را واگذاریم

امام خویش را تنها گذاریم

ز خون هر شهیدی لاله‌ای است

مبادا روی لاله پاگذاریم (امین پور، ۱۳۶۳: ۹۶)

در این سطح از تحلیل، بیشتر توجه به انتخاب نوع واژگان<sup>۱</sup> هم‌نشینی و باهم‌آیی، تضاد معنایی، و کاربردهای استعاری که نگاه ایدئولوژیک شاعر را بیشتر بیان می‌کند مطمح نظر است. کاربرد افعال پویا و فعال، ضمائر جمع متکلم، و پروراندن معانی بسیار با مفهوم شهید و رزمنده و ... نشان از بازتاب همین روحیه جنگ‌طلبی و حماسی دارد.

در سطح تفسیر، شاعر با ابزارهای هنری دست به آفرینش اشعاری می‌زند که روحیه انقلابی و حماسی آن روزگار را نشان دهد؛ بیشتر اشعار مربوط به سال‌های جنگ پر از کلمات و واژگان تهییج‌کننده است به گونه‌ای که روح حماسی را به خوبی نشان می‌دهد و این از عوامل مؤثر در زیبایی زبان شعر قیصر امین پور است که از دیدگاه تحلیل گفتمان، این موضوع هنرمندانه در بافت متن و بافت موقعیت آثار شعری او رعایت شده است. کاربرد اساطیر و اشاره به برخی مبارزات مردم، در ایجاد برخی پیش‌فرض‌ها در سطح تفسیر برا تولید زمینه مشترک بین شعر و مخاطب و دعوت مخاطب به شور و هیجان حماسی کمک می‌کند.

شعر قیصر امین پور متولد انقلاب اسلامی است و طبیعتاً این زادگاه طبیعت شعر او را متأثر می‌سازد. جهان‌بینی و افق فکری قیصر در شرایطی شکل می‌گیرد که گستره انقلاب همه زوایای اجتماع را گرفته است. شعر به منزله یکی از ابزارهای تبلیغی و پیش‌برنده جریان‌ات اجتماعی، سعی خود را در راه تثبیت تعهدات انقلابی و اجتماعی و بیان هیجان بخش ایدئولوژی انقلاب متمرکز می‌کند. شعر طی سال‌های اولیه انقلاب و جنگ قویاً بازتاب روح جمعی و انعکاس رخدادهای اجتماعی و سیاسی بود (کازمی، ۱۳۸۱: ۱۲)

اما نکته مهم در این مقاله در سطح تبیین رخ می‌دهد. اشعار این دو مجموعه در ایجاد روحیه انقلابی و مبارزه در جبهه‌های حق علیه باطل تأثیر بسیاری داشته است. بازتاب این روحیه در تصاویری که درباره

۱- برای مطالعه بیشتر در این زمینه مراجعه شود به مقاله واژه‌گزینی های شعری قیصر امین پور از منظر تحلیل گفتمان انتقادی در



## مرک انندی کتتمانی در اشعار قیصر امین پور ۱۱۷۱۱۱

مرگ سرخ و شهادت می دهد، در سطح تبیین این آثار بسیار نمایان است. مسأله مرگ که یکی از مسائل اصلی حیات انسان است و نگرش آدمی به آن، بیان کننده نوع جهان بینی اوست. نگاه امین پور به مرگ در این اثر، شهادت در راه اعتقادات است، که نوعی پیروزی است. او مرگ را هم زمان یک حماسه و تجربه پاک اشراقی در قربان گاه معشوق (خدا) قلمداد می کند و شیفته وار به سویش می رود (نک: قنبری، ۱۳۹۴:

۳۷-۴۰)

پیراهنی از شتاب خواهم پوشید

دیدار تو را به شوق خواهم کوشید

گر آتش صدهزار دوزخ باشی

ای مرگ، تو را چو آب خواهم نوشید (امین پور، ۱۳۶۳: ۹۶)

گاهی مرگ را پروازی می داند که مشتاقانه چشم انتظار آن است و بر آن می خیزد:

آهنگ وداع و ترک یاری دارد

گویی که سر شگفت کاری دارد

به دوش گرفته جان چو باری سنگین

بی تاب که با مرگ قراری دارد (همان: ۹۳)

این دعوت به مبارزه و این تصویرهای حسّی از مرگ سرخ (شهادت)، در این اثر به نوعی مبارزه عملی و علنی، علیه دشمن خارجی است که در شعرهای این مجموعه نمود پیدا می کند. نگاه انقلابی قیصر به سرزمین و خاک و دفاع از آن تا سرحدّ جان را بسیار زیبا بیان می کند و به تعبیر دیگر از این متن اشعار می توان به نظام اندیشگانی و ایدئولوژیک و حتی میهن دوستانه قیصر پی برد. و دقیقاً در سطح تبیین اشعار، او را به کنشگری اجتماعی تبدیل می کند. زیرا او نیز در آن دوران، هم نوا با نیروهای انقلابی و مبارزه و ملتزم به آرمانها و اعتقادات، به مبارزه علیه باطل می پردازد، و مرگ در این راه را مشتاقانه می پذیرد و به استقبال آن می رود. زیرا این مرگ را نوعی پیروزی می داند. تا جایی که لبان مرگ را می بوسد.

آن سان که نسیم برگ را می بوسد

یا حادثه زین و برگ را می بوسد

وقتی لب پلک خسته اش را می بست

۱۱۱۸ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال هجدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ شماره پنجاه و پنجم

گفتی که لبان مرگ را می‌بوسد (همان: ۵۸)

این نگاه به مرگ ریشه در روح انقلابی، این سال‌های قیصر دارد که در اشعار این دوره موجود است و از لایه‌های نهانی شعرش با هنرمندی نمایان می‌شود. او که به دنبال هدفی دینی و اجتماعی است در این دوره آرمانگرایی، مرگ را بسیار پذیراست و دیگر را نیز به آن دعوت می‌کند:

میدان به سپاه خصم تنگ است هنوز

از خون شهید لاله‌رنگ است هنوز

شمشیر مکن غلاف جز در تن خصم

از دست منه سپر که جنگ است هنوز (همان: ۵۹)

مرگ در این دوره برای او، موتی اختیاری، و سعادت‌ی است که نصیب همگان نمی‌شود. مرگی که در آن دست از همه تعلقات می‌شوید و مشتاقانه به سوی محبوب خود می‌رود. او تحت تاثیر فضایی انقلابی از مرگی عارفانه و عاشقانه سخن می‌گوید:

بیا ای دل از این جا پر بگیریم

ره کاشانه دیگر بگیریم

بیا گم کرده دیرین خود را

سراغ از لاله پرپر بگیریم (همان: ۱۲۱)

از طرفی در راه آرمان خود از جان خود هم دریغ ندارد. به تعبیری مرگ اندیشی قیصر در این دوره کاملاً حماسی، آرمانی و اختیاری است. زیرا مرگ در راه اعتقادات است. او در این دوره مرگ را برای خود و دیگران هدفی دینی، سیاسی و اجتماعی می‌داند و آن را پایان همه چیز نمی‌داند. راهی است که بقا در آنست:

برخیز و بخوان سرود پیروزی خون

هنگام بهار و فصل نوروزی خون

به رویش لاله‌های خونین بنگر

بر دامن سبز دشت گل‌دوزی خون (همان: ۶۲)

این روال در تنفس صبح ادامه می‌یابد و قیصر با آفرینش آثار خود، اعتقادات خود و اجتماع هم‌فکر خود را ثبت می‌کند؛ از نمونه‌های بارز آن می‌توان به «شعری بر جنگ» او اشاره کرد که در اعتلای نام

## مرک انیشی کتتمانی در اشعار قیصر امین پور ۱۱۹۱۱۱

قیصر امین پور نقش ممتازی داشت، شعری که گزارشی گویا و زنده از جنگ در شهرها و وقایع تلخ آن بود. شعری عجیب با حماسه و واقعیت آن دوره، شاعر با انتخاب واژگان مناسب و با دانش زمینه‌ای که در انتخاب واژگان به کار برده است، به توصیف صحنه‌های جنگ و شهیدشدن جوانان در مناطق جنگ و خراب‌شدن خانه‌ها پرداخته است. این شعر بافتی نثرگونه دارد و در قالب ساختار روایی ارائه شده است و همین موضوع به تأثیرگذاری بیشتر این شعر کمک می‌کند. در این روند می‌توان به شعرهایی با نام‌های «راه ناتمام»، «رسم سفر»، «اتفاق»، «میراث باستانی»، «این سبز کیست»، «گلوی شوق»، «زین خالی»، و «سرسبزترین فصل» نیز اشاره کرد.

اودر این دوره باز مشتاق مرگ است و لبان مرگ را می‌بوسد:

ما دشمن آه و اوخ و افسوسیم

با شوق لبان مرگ را می‌بوسیم

دریا دریا اگر ز ما برگیرید

کم می‌نشویم از آن که اقیانوسیم (امین پور، ۱۳۷۲: ۴۴۷)

این دوره از شعر قیصر را باید محصول جامعه‌نگری انقلابی و هیجان اعتقادی شاعر، در سال‌های انقلاب و جنگ دانست. اما به نسبت دیگر شاعران زمان خود کمتر دچار شعارزدگی شد و بیشتر متعهدانه عمل کرد. در تهییج روحیهٔ سلحشوری برای دفاع از وطن این‌گونه عمل کرده است: در شعر «غزل تصمیم»

بیا به خانهٔ آلاله‌ها سری بزنیم

زداغ با دل خود حرف دیگری بزنیم

به یک بنفشه صمیمانه تسلیت گوئیم

سری به مجلس سوگ کبوتری بزنیم

شبی به حلقهٔ درگاه دوست دل بندیم

اگرچه وا نکند دست کم دری بزنیم

به یک بنفشه صمیمانه تسلیت گوئیم

سری به مجلس سوگ کبوتری بزنیم

تمام حجم قفس را شناختیم بس است

۱۲۰ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال هجدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ شماره پنجاه و پنجم

بیا به تجربه در آسمان پری بز نیم

اگر چه نیت خوبی است زیستن اما

خوشا که دست به تصمیم بهتری بز نیم (امین پور، ۱۳۸۸: ۶۹)

این دوره اقتضا می کرد، قیصر که خود از مجاهدان و انقلابیون محسوب می شد نیز آفرینش ادبی خود را بر اساس توجیه و تثبیت این شرایط پایه گذاری کند. همچنان که دیده شد تمام عناصر صوری کلام خود را در راه موضوعات و مضامین دینی و مذهبی، نکوداشت شهدا، ستایش وطن، توصیف حماسه های رزمندگان، ستایش مبارزه و شخصیت های مبارز و ... قرار داده است، که با ورق زدن دو دفتر شعر در کوچه آفتاب و تنفس صبح به خوبی نمایان است. حبیب شوکتی (شاعر) در این خصوص چنین یاد کرده است: «با شروع جنگ تحمیلی قیصر به همراه جمعی دیگر از شاعران جوان آن دوره که اکنون به دوره کهن سالی نزدیک می شوند به منظور تهییج روحیه سلحشوری رزمندگان به برپایی جلسات شعرخوانی در جبهه ها و مناطق جنگی روی آوردند. این جلسات، که منجر به تشکیل کنگره شعر دفاع مقدس گردید، کماکان ادامه داشته و هر ساله در یکی از استان های کشور برگزار می شود» (شوکتی، ۱۳۸۶)

نکته مهم در این دو اثر این است که یا سخن از مرگ نیست و مبارزه سراسر پیروزی است، یا مرگ همرا با شهادت است که در نگرش قیصر آن هم پیروزی است. بسامد واژه مرگ بسیار کم است. شاید این هم برای رحیه دادن و ترغیب مجاهدان در آن دوره بوده که در این جنگ مرگی وجود ندارد و همه پیروزی است.

### **تحلیل گفتمانی مرگ در سال های پس از جنگ ( آینه های ناگهان و گل ها همه آفتابگردانند و دستور زبان عشق)**

سومین مجموعه شعر قیصر امین پور آینه های ناگهان است. این مجموعه شعر حاوی دو دفتر شعر است: دفتر اول حاوی سروده های سال های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۱ است و دفتر دوم شامل سروده های سال های ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۶ است. این مجموعه شعر در ادامه روند تکوین باورهای شاعرانه قیصر و تلاش در جست و جوی آرمان های واقعی انسانی و لذت بخشی از رویدادهای حقیقی اجتماعی است. انتشار آینه های ناگهان در ۱۳۷۲ خبر از ورود شاعر به مرحله کاملاً متفاوتی از حیات شعری اش می داد.

تمام شدن جنگ، پیامدهای آن و اوضاع سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی آن دوره همگی سبب شد تا

## مرکب اندیشی کلمتانی در اشعار قیصر امین پور ۱۳۱۱۱۱

نگاه‌ها و نگرش‌ها تغییر کند. این تغییرات اوضاع جامعه در شعرهای این مجموعه به خوبی نمایان است. زبان امین پور پایه‌پای تحولات اجتماعی تغییر می‌کند و به زندگی و باورهای مردم نزدیک می‌شود. در دو کتاب قبل شاعر گرم پیکار انقلابی بود و گذر زمان را حس نمی‌کرد؛ (ر.ک. قنبری، ۱۳۹۴: ۴۰-۶۷) رزق و روزی او در آرمان‌گرایی نهفته بود؛ پرسشی نداشت؛ چرا که اعتقاد قطعی‌اش به آرمان‌ها به او انگیزه لازم برای حرکت را داده بود (فتوحی، ۱۳۸۷: ۱۷)؛ فرونشستن التهابات انقلاب و جنگ تحمیلی، تغییراتی در عرصه ساختار اجتماع و در فضای ذهنی شاعر آرمان‌گرا ایجاد کرد که او را متوجه انسان درد نمود و حماسه‌ها به دردهای نگفتنی و نهفتی بدل شدند و حس درد آگاهی در شاعر پدیدار شد.

با قبول قطعنامه و پایان یافتن جنگ و به دنبال آن رحلت رهبر انقلاب و تغییرات ساختارها پس از جنگ رنگ و لعاب حماسی شعر قیصر از بین رفت و شاعر که تاب تغییرات ناهمگون با ارزش‌های حاکم پیش از پذیرش قطعنامه و دیدگاه‌ها و سلیقه‌های جدید را ندارد و به مثابه شاعری منتقد که از متن جریان تعهد سربرآورده است، لب به اعتراض می‌گشاید و با پیش‌بینی خطراتی که روند انقلاب را تهدید می‌کند، غمگینانه به تماشا می‌نشیند و حتی با اعتراض و به انتقاد، از حوزه هنری که مرکز هنرمندان انقلابی است، خارج می‌شود. اوج این انتقادات در بخش نخست شعرهای آینه‌های ناگهان نمایان است:

حنجره‌ها روزه سکوت گرفتند

پنجره‌ها تار عنکبوت گرفتند

عقدۀ فریاد بود و بغض گلوگیر

بهت فصیح مرا سکوت گرفتند ... (امین پور، ۱۳۸۸: ۲۹۵)

یا: آواز عاشقانه ما در گلو شکست

حق با سکوت بود صدا در گلو شکست

دیگر دلم هوای سرودن نمی‌کند

تنها بهانه دل ما در گلو شکست

آن روزهای خوب که دیدیم خواب بود

خوابم پرید و خاطره‌ها در گلو شکست ... (همان: ۲۹۶)

امین پور در این دفتر از مرز آزمون عقیدتی عبور کرده و با پاس داشت انقلاب و جنگ شهدا و مفاهیم دینی که به لطف شاعرانگی‌های او به زیباترین صورت در کلام ثبت گردیدند، اکنون خود را در

۱۱۲۲ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال هجدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ شماره پنجاه و پنجم

عرصه درونی تری رها می کند که بتواند از فرازی دیگر و از افقی گسترده با جهان پیرامون خود گفت و گو کند. دغدغه های قیصر در آینه های ناگهان رنگ فلسفی تری به خود گرفته است؛ در این مجموعه شاعر خود را در برابر دنیایی از پرسش های بی پاسخ، هزاران، باید و نباید و چرا و چگونه پیرامون خود می بیند. او با آرامش خود خواسته، به دور از شتاب مجموعه های اول یا نگاهی به عوارض شهرنشینی و خود فراموشی های انسانی امروزی، در پی معرفی جامعه آرمانی خود برمی آید. او از ملال آوری و کسالت عصر خود انتقاد می کند. شاعر خود هم نسلان هم اندیشش را دور از دنیای معاصر می بیند و از انحراف و فراموشی هم عصران خود انتقاد می کند. آرش شفاعی در توصیف آینه های ناگهان چنین می نویسد: «در شعرهای قدیم (مجموعه های در کوچه آفتاب و تنفس صبح) قیصر را مردمی تر و درگیر با مسائل اجتماعی اطرافش می یابیم، در آینه های ناگهان بیشتر یک شاعر شهری را که به خودش و شعرهایش می اندیشد، می بینیم که از یک نواختی زندگی خود ملول است. البته کسانی که در شرایطی همچون امین پور زندگی می کنند با این شعرها ارتباط برقرار می کنند، ولی به نظر می رسد تعداد این افراد آن قدرها هم زیاد نیست» (شفاعی، ۱۳۷۸).

شعر قیصر مشخصاً در دفتر آینه های ناگهان به بعد، از آن خلیجان و شور آفرینی های ایده آلیستی که خواه ناخواه رنگ و بو و چه بسا بن مایه ایدئولوژیک داشت، یعنی همان که در کوچه آفتاب و تنفس صبح گرفته است و به قولی اکنون فربه تر از ایدئولوژی به جهان می نگرد. در عین حال در این نگاه که بر مدار جهان بینی می گردد ته رنگی از کدورت و یأس و همچنین ته لهجه ای از اندوهی اجتماعی فلسفی به خود گرفته است. آرامشی سنگین در جوار سکوتی تلخ، جهان بیرون شاعر را فرا گرفته بارقه ها و گاه صاعقه هایی از «اما»، «اگر»، و «چرا» ظلمات را لحظاتی می درند و دوباره به همان سرمازدگی و ... (جامعه نو، ۱۳۸۶: ۱۴).

انگار مدتی است که احساس می کنم

خاکستری تر از دو سه سال گذشته ام

احساس می کنم که کمی دیر است

دیگر نمی توانم

هر وقت خدا در بیست سالگی متولد شدم

انگار

فرصت برای حادثه  
از دست رفته است  
از ما گذشته است که کاری کنیم  
کاری که دیگران نتوانند ... (امین پور، ۱۳۸۸: ۲۵۳)  
شاعر آرام آرام به گوشه عزلت پناه می برد و شعر تنها بهانه اعلام حضور او می شود:  
در سایه این سقف ترک خورد نشستیم  
بی حوصله و خسته و افسرده نشستیم  
خاموش چو فانوس که در خویش خمیده است  
پیچیده به خود با تن تاخورد نشستیم  
یک بار به پرواز پری باز نکردیم  
سر زیر پر خویش فرو برده نشستیم  
برگرده ما خاطره خنجر یاران  
با جنگلی از خاطره برگرده نشستیم... (همان: ۳۰۲)  
آن مرد حماسه ساز و مصاحب عقیده های راسخ، ناخواسته پای در عصر شک احتمال و تردید می گذارد:  
ما در عصر احتمال به سر می بریم  
در عصر شک و تردید  
در عصر پیش بینی وضع هوا  
از هر طرف که باد بیاید  
در عصر قاطعیت تردید  
عصر جدید  
عصری که هیچ اصلی  
جز اصل احتمال یقین نیست .... (همان: ۲۷۵)  
حتی گاهی نوعی بدبینی شاعرانه نیز بر اندیشه او حاکم است که تمام رویدادهای پیرامونی خود را  
در هاله ای خاکستری مشاهده می کند:  
وقتی جهان از ریشه جهنم

و آدم

از عدم

و سعی

از ریشه‌های یأس می آید

وقتی که یک تفاوت ساده در حرف

کفتار را

به کفتر

تبدیل می کند ... (همان: ۲۹۳)

شعر «اگر دل دلیل است» به تصویری کامل از این روزگار قیصر و واگویی‌های انتقادآمیز او و نسل اوست که هم از گذشته حسرت آلود و در عین حال سربلند شاعر حکایت دارد و هم سرخوردگی و نومیدی را از وضع موجود نشان می‌دهد. این شعر گلایه‌ای است که با زبانی حماسی و افتخارآمیز، وضعیت گذشته و حال شاعر را بازگو می‌کند.

امین پور در شعر «روز ناگزیر» با نگاهی مغموم به اطراف خود می‌نگرد و دلشوره‌های آرمان‌گرایانه خود را در جزء به جزء این شعر با مخاطب خود قسمت می‌کند. نگاه او در این شعر مبتنی بر انتظار موعودی است که محصول اعتقاد شاعر است:

این روزها که می‌گذرد

احساس می‌کنم که کسی در باد

فریاد می‌زند

احساس می‌کنم که مرا

از عمق چاه‌های مه‌آلود

یک آشنای دور صدا می‌زند

روزی که روز تازه پرواز

روزی که نامه‌ها همه باز است ... (همان: ۲۳۶)

قیصر با مجموعه آینه‌های ناگهان تغییرات رفتاری در شعر خود را آغاز می‌کند، این تغییرات در نوع نگاه او به مرگ هم مشخص است. شاعری که در دوره قبل مشتاقانه لبان مرگ را می‌بوسید در این دوره



## مرک اندیشی کتتمانی در اشعار قیصر امین پور ۱۲۵۱۱۱

با حسرت جاماندن از دوستان شهیدش، در نوبت مرگ می نشیند که شاید امروز بیاید و شاید فردا:

و آسیاب نان آسوده

همچنان می چرخد

دندان گرد سنگ - سنگ آسیاب نان -

چون لقمه‌ای بزرگ

جهان را آخر به کام خویش برد

خواهد بر بوی حسرت نان

ما را - تمام ما را - خواهد خورد

ما ایستاده‌ایم

و لحظه به لحظه نوبت خود را

خمیازه می کشیم

شاید همیشه نوبت ما فرداست (امین پور، ۱۳۷۲: ۶۹)

او در غزل «آبروی آب» بیتی برای مرگ می سراید که در آن انفعال و انزوای شاعر نمایان است. او

خود را به مردن می زند و از دیگران هم می خواهد که او را مرده‌ای بدانند. اما این مرگ با مرگ اختیاری

دوره قبل فرق می کند این مرگ از سر ناچاری و بی حوصلگی از زندگی است:

ما را به حال خود بگذارید و بگذرید از خیل رفتگان بشمارید و بگذرید (همان: ۱۰۴)

به این بی حوصلگی در جای دیگر از ایم مجموعه هم اشاره می کند:

مردن چقدر حوصله می خواهد

بی آنکه در سراسر عمرت یک روز

بی حس مرگ زیسته باشی

احساس می کنم که پس از مرگ عاقبت

یک روز دیوانه می شوم (همان: ۳۰)

شاعر در شعر «نه گندم نه سیب» به مرگ و زندگی ابدی اشاره می کند. و شاعر قاطع دوره قبل که

با مرگ مبارزه می کرد و هراسی هم نداشت اکنون فریب مرگ را می خورد.

نه گندم

نه سبب

آدم فریب نام تو را خورد

از بی شمار نام شهیدانت

هابیل را که نام نخستین بود

دیگر این روزها به یاد نمی آوری (امین پور، ۱۳۹۰: ۲۶۴)

از تمام شعرهای این مجموعه شعر حسرت همیشگی از همه بیشتر تفاوت دیدگاه شاعر را بیان می کند. شاعر که در مجموعه های قبلی با مرگ رو به رو می شد و مشتاقانه آن را پذیرا بود در این شعر از آمدن ناگهانی مرگ شوکه شده و باز از رفتن می سراید و مرگ را حکایتی می داند که در طول زندگی موجودات نمود عینی می یابد. این حکایت همیشگی پیش از آنکه آدمی خود را برای شنیدنش آماده کند او را فرامی گیرد:

حرف های ما هنوز ناتمام

تا نگاه می کنی

وقت رفتن است

باز هم همان حکایت همیشگی

پیش از آنکه باخبر شوی

لحظه عزیمت تو ناگزیر می شود

آه ای دریغ و حسرت همیشگی

ناگهان چقدر زود دیر می شود (امین پور، ۱۳۷۲: ۴۸)

از این پس انتقادهای اجتماعی، اعتراض به برخی رفتارها، پناه بردن گاه و بی گاه به درون مایه های عرفانی و خلوت فردی و درنهایت، رسیدن و پرداختن به سطحی از عاشقانه سرایی از مهم ترین موضوعات و مفاهیم شعر امین پور در این مجموعه اند. همان طور که گفته شد عوامل گوناگونی در این رویکرد دخالت دارند که می توان به شوک ناشی از قبول قطعنامه از سوی ایران، تغییرات ماهیتی اجتماع، فضای متفاوت اعتقادی پس از جنگ، بلوغ سیاسی شاعر و تحصیل و تدریس در دانشگاه اشاره کرد. با بررسی این مجموعه قیصر می بینیم که او رویکرد اجتماعی خود را در شعر ابراز می کند.

گل ها همه آفتابگرداند (۱۳۸۱) و دستور زبان عشق (۱۳۸۶)، آخرین مجموعه های شعری قیصر

## مرک اندیشی کتتمانی در اشعار قیصر امین پور ۱۳۷۱

امین پور است، که به نسبت تنفس صبح و آینه‌های ناگهان تنوع کمتری دارد. حجم غالب شعرهای این دو کتاب را شعرهای نیمایی، طرح‌واره‌های نو و غزل تشکیل می‌دهد. قیصر امین پور در سرایش این دو مجموعه در میان سالگی قرار دارد و فراز و فرودهای بسیاری را پشت سر گذاشته است. قیصر در این دو مجموعه با طرح روایت‌هایی از جامعه و پرسش‌هایی ساده، دیگران را به پاسخ‌گویی دعوت می‌کند.

شاعر از آرمان‌گرایی خود دست برداشته و سرخوردگی و نومیدی از وضع موجود را با حیرت و پرسش بیان می‌کند. امین پور در این دوره دیگر آن شور حماسی را ندارد و گرفتار زندگی روزمره شده است. تغییرات ساختاری در بدنه اجتماع در شعر او نیز منعکس می‌شود. شاعر این مجموعه شاعری است با تمام دغدغه‌های یک شهروند تهرانی که گرفتار حیات مادی است، از قبض آب و برق و گاز می‌گوید، پول اجاره‌خانه، صف طویل نان و ... نگاه قیصر حتی به آرمان‌هایش نیز تغییر کرده است. نگاه او به جنگ نیز نگاهی انسانی شده است، نه آن نگاه حماسی سابق. مرگ‌اندیشی در او بروز می‌کند و دیگر حوصله شعرهای طویل و حماسی را ندارد. امین پور در خود فرو می‌رود و به خود می‌نگرد.

در این دو مجموعه قیصر امین پور به منزله زبان گویای جامعه خود دردمندی اجتماعی را عمیقاً حس کرده است و در اغلب شعرهای این دو دفتر از آن‌ها دم می‌زند. امین پور در این دو مجموعه اتفاقات سیاسی و تحولات اجتماعی و تغییرات کشور را از سر گذرانده و توانسته است تحصیلات دانشگاهی را تکمیل کند، و در دوران تکامل خویش به سر می‌برد. گل‌ها همه آفتابگرداند روایتگر حس و حال خویش است و بیشتر شعرها شخصی‌اند و دستور زبان عشق شاعر رویکرد خود را به مقوله عشق بر روی جلد و در نام کتاب نمایان می‌کند. تکامل قیصر و تکوین فلسفه فکر او از زوایای متفاوتی در شعرش قابل بررسی است، که از آن جمله می‌توان به تغییر چشم‌انداز و بسط دایره اندیشگی شاعر که منجر به تحول و تکامل انسان‌شناسی و هستی‌شناسی او می‌شود اشاره کرد. از همین روست که پرسش‌های فراوانی در این دو مجموعه مطرح می‌شود که در ذات خود نگرانی و تردید شاعر را از وضعیّت انسان معاصر را ابراز می‌دارد:

سایه سنگ بر آینه خورشید چرا؟

خودمانیم بگو این همه تردید چرا؟

نیست چون چشم مرا تاب دمی تیره شدن



سرنوشتم اگر این است که می بینم  
حکم تغییر فضا را به که باید گفت؟ ...  
مو به مو حادثه بارید به هر بندم  
تیرباران بلا را به که باید گفت؟  
شکوه از هر چه و هر کس به خدا بردم  
گله از کار خدا را به که باید گفت؟ ... (همان: ۲۲۶)

در سال‌های سرایش این دو دفتر، نوعی کسالت و یک‌نواختی بر لایه‌های اجتماعی سایه دارد، که به نوعی شکلی از روزمرگی و تکرار ملال‌آور را در پی دارد. شعر قیصر چون محصول پیوند شاعر و اجتماع است، نمی‌تواند از شاخصه روزمرگی تهی باشد. او با انعکاس مستقیم دل‌مشغولی‌های اجتماع این رخوت را به‌نمایش می‌گذارد:

پس کجاست؟  
چند بار خرت و پرت‌های کیف باد کرده را  
زیر و رو کنم  
پوشه مدارک اداری و گزارش اضافه کار و کسر کار  
کارت‌های اعتبار  
کارت‌های دعوت عروسی و عزا  
قبض‌های آب برق و غیره و کذا  
صورت خرید جنس‌های خانگی  
پس کجاست

یادداشت‌های درد جاودانگی (امین پور، ۱۳۸۵: ۵۱)

قیصر خستگی و بی‌تابی خود از روزمرگی و ملال‌آوری جامعه پیرامون خود را به‌زیبایی در شعر «لحظه‌های کاغذی» بیان می‌کند:

خسته‌ام از آرزوها، آرزوهای شعاری  
شوق پرواز مجازی، بال‌های استعاری  
لحظه‌های کاغذی را روز و شب تکرار کردن

۱۳۰ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال هجدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ شماره پنجاه و پنجم

خاطرات بایگانی، زندگی‌های اداری ...

رونوشت روزها را روی هم سنجاق کردم

شنبه‌های بی‌پناهی، جمعه‌های بی‌قراری (همان: ۹۵)

امین‌پور کم‌کم با پذیرش واقعیت‌های ناگوار اجتماعی و اطمینان از به بار نرسیدن تلاش‌هایش در

عرصه آگاهی خود و بی‌اعتنایی‌های جامعه، از جریان آرمان‌خواهی خود کناره می‌گیرد:

هرچه روزی آرمان‌پنداشت حرمان شد همه

هرچه می‌پنداشت درمان است عین درد شد ... (امین‌پور، ۱۳۸۶: ۲۱)

امین‌پور در چهره آرمان‌خواهی شکست‌خورده، مضامینی تازه را در شعر خود دنبال می‌کند که از آن

جمله می‌توان به برخی پرسش‌های اعتقادی که نوعی عصیان نیز در آن نهفته است پرداخت:

اگر که چون و چرا با خدا خطاست چرا

چرا سؤال و جواب است روز بازپسین ... (همان: ۵۳)

شاعر روز به روز بیشتر دچار انفعال و سرگشتگی در خود می‌شود:

دیگر برای زیستن

این چشم‌ها از من دلیل تازه می‌خواهند (امین‌پور، ۱۳۸۵: ۳۶)

به نظر می‌رسد در این مجموعه دغدغه شاعر نسبت به گذار عمر و مرگ‌اندیشی هم بیشتر می‌شود:

لحظه چشم‌واکردن من

از نخستین نفس‌گریه

در دومین صبح اردیبهشت سی و هشت

تا سی و هشت اردیبهشت پیاپی

پیاپی

عین یک چشم بر هم زدن بود

لحظه دیگر اما

تا ناکجا باد تا کی؟ ... (همان: ۵۰)

در این دو مجموعه نمود مرگ یا یم یأس فلسفی از زندگی همراه است. نگاه او به مرگ هم فلسفی -

تراست. تغییر نگاه شاعر به مرگ بسیار متفاوت با مجموعه‌های قبلی است، مرگ در این مجموعه

## مرک اندیشی کلمتانی در اشعار قیصر امین پور ۱۳۱۱۱۱

همچون گذرگاهی محتوم پیش روی شاعر است و او ناگزیر به مسلخ تقدیر نزدیک می‌شود.

وقتی که بره‌ای

آرام و سر به زیر

با پای خود به مسلخ تقدیر ناگزیر

نزدیک می‌شود، زنگوله اش چه آهنگی دارد!... (امین پور، ۱۳۸۶: ۲۳)

مرد ماهیگیر

طعمه‌هایش را به دریا ریخت شادمان برگشت

در میان تور خالی

مرگ

تنها

دست و پا می‌زد (همان: ۳۱)

در شعر «اتفاقی دیگر»، مرگ را و خلقت را ابتدا و انتهای یک زنجیره می‌داند با این تفاوت که آنچه

روز اول بود روز آخر نیست:

سببی از درخت می‌افتد

از نو به شاخه برمی‌گردد

اما

دیگر نمی‌شناسند، همدیگر را (همان: ۵۶)

او شعری با نام «مرگ» دارد که تفکر مرگ اندیش او در این دو مجموعه را اثبات می‌کند. او از این

حقیقت می‌گوید که ما ممکن است مرگ را درک نکنیم و به آن بی‌اعتنا باشیم اما روزی هر جا که

باشیم مرگ فرامی‌رسد:

ما

تمام عمر تو را در نمی‌یابیم

اما تو ناگهان

همه را درمی‌یابی (همان: ۵۸)

حتی نگاه او به شهادت نیز تغییر کرده است؛ شاعر در دو مجموعه قبلی خود (تنفس صبح و در

۱۳۳۲ // دو همدلنامه مطالعات نقد ادبی / سال هجدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ شماره پنجاه و پنجم

کوچه آفتاب) نگرشی آرمان‌گرایانه و ایدئولوژیک نسبت به شهادت داشت، به پیروزی گروهی خود می‌اندیشید و با سلاح قلم خود به دفاع از جنگ شعر می‌سرود و معتقد بود: «بر لبان مرگ بوسه می‌زند» و «مرگ سرخ (شهادت) را با آغوش باز می‌پذیرد» و بی‌هیچ چون و چرا «با سر سوی مرگ می‌رفت»، اما در دستور زبان عشق نگاه قیصر به جنگ، نگاهی انسانی است (فتوحی، ۱۳۸۷: ۲۳):

شهیدی که بر خاک می‌خفت

سر انگشت در خون خود می‌زد و می‌نوشت

دو سه حرف بر سنگ

به امید پیروزی واقعی

نه در جنگ

که در بر جنگ ... (امین‌پور، ۱۳۸۶: ۱۸)

«پیروزی در جنگ» یعنی پیروزی رزمندگان در دفاع از ایران، که شاعر معتقد بوده «برای جنگ از لوله تفنگ بخوانم با واژه فشنگ»، اما «پیروزی بر جنگ» حامل آرمانی انسان‌گرایانه است.

شهیدی که بر خاک می‌خفت

چنین در دلش گفت: اگر فتح این است که دشمن شکست

چرا همچنان دشمنی هست (همان: ۱۷).

علی‌یاری با بررسی این روند در شعر قیصر چنین می‌نویسد: شاعر در این شعرها که می‌توان گفت در ستایش آرزو و جست‌وجوی صلح سروده، به خویش بازگشته است به جهان درون خودش. این جاست که آرمان واقعی شاعر نمایان می‌شود شاعر به موازات سفیدشدن موهایش دچار دگرگونی فکری و تحول در داوری‌هایش می‌شود و به تبع این تحول فکری در فضای اندیشگی و چشم‌اندازهای شعرش نیز دچار دگرگونی فراوانی می‌شود (یاری، ۱۳۸۷: ۴)

در این دو دفتر پایانی او از مرگ و گذر عمر مکرر صحبت می‌کند. و مرگ را نقطه پایان آرزوها می‌داند. انسان با مرگ پرونده‌اش بسته می‌شود و به صورت یک آگهی ترحیم در روزنامه‌ها درمی‌آید این موضوع در شعر لحظه‌های کاغذی نمایان است:

عاقبت پرونده‌ام را

با غبار آرزوها



خواهد بست روزی

باد خواهد برد باری

روی میز خالی من

صفحه باز حوادث

در ستون تسلیت‌ها نامی از ما یادگاری (امین پور، ۱۳۸۶: ۹۶)

این نگاه به مرگ شاید به دلیل سانحه تصادف‌ش در دفترهای پایانی بیشتر دیده می‌شود.

### نتیجه‌گیری

تحلیل گفتمان انتقادی، یکی از روش‌های تحلیل گفتمان است که با توجه به تحلیل در سطح تفسیر و نگرش بینامتنی و تمرکز بر سازمان‌های سطح بالاتر از جمله، سعی در کشف و شناخت ایدئولوژی‌ها و جهان‌بینی‌های نویسنده و شاعر دارد. از طریق بررسی واحدهای فراتر از جمله در تحلیل گفتمان و تحلیل دقیق ویژگی‌های زبانی در علوم بلاغی ضمن ارتباط بافت زبان با بافت وسیع‌تر اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... می‌توان حقایق بیشتری درباره اشعار و متناسب بودن آن‌ها با مقتضای حال به‌دست آورد و به تبیین روشن‌تری از شعر رسید و با این روش راهکارهایی برای افزایش توان ارتباطی متن و خواننده نیز بیان کرد.

شعر فارسی نیز در دوره معاصر تحت تأثیر تحولات سیاسی و اجتماعی دوره معاصر بوده و قیصر امین پور از شاعران دوران معاصر است که شعرش حدود سه دهه در ادبیات فارسی مخاطب داشته است و مورد اقبال قرار گرفته است. این تأثیرپذیری شعر معاصر از جامعه و تأثیر ادبیات و خصوصاً شعر معاصر بر مردم، در شکل‌گیری بسیاری از تحولات اجتماعی-سیاسی، در شعر قیصر امین پور نیز دیده می‌شود، شعر او در هشت سال دفاع مقدس، سبب دعوت و تهییج مبارزان جبهه‌های حق علیه باطل بود؛ به تعبیری شعر او در دوره جنگ حکم ابزاری تبلیغی برای پیش‌بردن جریان اجتماعی آن روزگار بوده است. اشاره‌ای به زندگی شاعر و نقش او در نظام اجتماعی-سیاسی معاصر ایران (دوره انقلاب، جنگ، و پس از تمام‌شدن جنگ) همچنین بازتاب این موضوعات در شعر امین پور، نشان از توجه گسترده شاعر به جامعه پیرامونش است؛ امین پور مسائل اجتماعی و سیاسی مهم هر دوره را به صورت صریح و با لحن متناسب در شعرش بیان کرده است. البته امین پور تعادل را رعایت کرده است و

از پدید آمدن آثاری تا حدّ شعارهای خشک پرهیز کرده است.

در این پژوهش با بررسی مجموعه‌های شعری امین‌پور از زاویه نگاه تحلیل گفتمان انتقادی و در سطح تبیین، به این نتیجه رسیدیم که نه تنها واژگان، نحو و درون‌مایه اشعار قیصر هم‌پای تحولات اجتماعی تغییر کرد و رو به کمال نهاد، بلکه نگرش او به مرگ که نگاه به زندگی را هم در خود دارد، در دوره‌های مختلف زندگی‌اش تغییر می‌کند. این تغییرات هم متأثر از اجتماع اوست و هم بر جامعه‌اش تأثیر می‌گذارد.

مرگ‌اندیشی امین‌پور در آغاز شاعری، که همزمان بوده با انقلاب و جنگ تحمیلی، نگاهی حماسی و شهادت طلبانه است. با اتمام جنگ، این مرگ‌اندیشی خاتمه می‌یابد. او هم مانند دیگر افراد جامعه‌اش گرفتار روزمرگی می‌شود و نگاه او به مرگ هم خالی از این گرفتاری نیست. مرگ که در آغاز اختیاری و داوطلبانه بود، در مجموعه‌های بعد تبدیل به گذرگاهی محتوم می‌شود که همه را به کام خود می‌کشد. پذیرش مرگ که در آغاز و بر اثر عوامل اجتماعی با اشتیاق همراه بود در مجموعه‌های آخر با ناچار و با یأس فلسفی از زندگی است. به نظر می‌رسد آن مرگ عاشقانه که در راه وطن بود و نتیجه‌اش رسیدن به حق و مطلوب بود، تبدیل می‌شود به مرگی اجباری که نتیجه‌اش رسیدن به نا معلوم است. از منظر تحلیل گفتمان انتقادی، علت این تغییر نگاه به مرگ در نظر قیصر امین‌پور، ریشه در تغییرات اجتماعی و ایدئولوژیکی دارد که در جامعه و در شاعر بوجود آمده است و قیصر به دلیل توانمندی زبانی‌اش توانسته این سیر تغییرات را در شعرش منعکس کند.

## مرک اندیشی کتتمانی در اشعار قیصر امین پور ۱۳۵۱۱۱

### کتابشناسی

- امین پور، قیصر. (۱۳۶۳). **تنفس صبح و در کوچه آفتاب**، تهران: سروش.
- همو. (۱۳۸۵). **مثل چشمه مثل رود**، تهران: سروش.
- همو. (۱۳۸۵). **گل‌ها همه آفتابگردانند**، چاپ ششم، تهران: مروارید.
- همو. (۱۳۷۲). **آینه‌های ناگهان**، تهران: افق.
- همو. (۱۳۸۶). **دستور زبان عشق**، تهران: مروارید.
- همو. (۱۳۸۸). **مجموعه کامل اشعار قیصر امین پور**، تهران: مروارید.
- جامعه نو. (۱۳۸۶). «**درد جاودانگی روی کاغذ**»؛ ش ۴۳
- جعفری، کبری. (۱۳۹۳). پایان نامه ارشد با عنوان **نگاه تطبیقی به مرگ و شهادت در غزل‌های مولوی و قیصر امین پور** به راهنمایی محمدرضا سنگری. تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- شفاعی، آرش. (۱۳۷۸). «**زلزال تو از آرام**»، روزنامه قدس، س ۵، ۵ تیر.
- فتوحی، محمود. (۱۳۸۷). «**سه صدا، سه رنگ، سه سبک در شعر قیصر امین پور**»، ادب پژوهی؛ ش ۵؛ تابستان.
- فر کلاف، نورمن. (۱۳۷۹). **تحلیل انتقادی گفتمان**، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، ویراستاران محمد نبوی و مهراں مهاجر، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها
- قنبری، امید. (۱۳۹۴). **زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی دکتر قیصر امین پور**، تهران، انجمن آثار و مفاخر ایران.
- کاظمی، محمد کاظم. (۱۳۸۱). «**پرنده در پنجره**»، نشریه شعر، ش ۳۰.
- مکاریک، ایرناریم. (۱۳۸۶). **دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر**، ترجمه مهراں مهاجر و محمدنبوی، چاپ دوم، تهران: آگاه
- نوروزی، شکوفه. (۱۳۹۶). «**بررسی تطبیقی مرگ اندیشی در آثار قیصر امین پور . سپهری**»، مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه، دوره سوم شماره ۲/۱
- یاری، علی. (۱۳۸۷). «**از شعری برای جنگ تا طرحی برای صلح**»، روزنامه کارون؛ پنج‌شنبه ۹ آبان